

مطالعه حوزه‌های معنایی «صبر» در آیات قرآن

رضا امانی*

استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

زهرا عبادی**

کارشناس ارشد تفسیر قرآن کریم دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

صدیقه رضایی***

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۴)

چکیده

«صبر» در آموزه‌های دینی، به عنوان یکی از مفاهیم اساسی ایمان شناخته می‌شود. این واژه به همراه مشتقات خود، ۱۰۳ بار در قرآن به کار رفته است که نشان از اهمیت ویژه این خصیصه اخلاقی از دیدگاه دین مبین اسلام و قرآن کریم دارد. این واژه با حفظ معنای لغوی و اصطلاحی با بسیاری از مفاهیم اخلاقی و دینی ارتباط معنایی پیدا می‌کند. بر این اساس، تبیین ارتباط صبر با مفاهیمی نظیر نماز، ایمان، تقوا، اسلام، یقین، نیکی و... از جمله مباحثی است که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. لذا مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی بر آن است که در یک فرایند منظم به شناسایی این واژه در لغت‌نامه‌ها و پس از آن، با نگرشی فراگیر به کل متن قرآن، به تحلیل و بازیابی شبکه‌ای معنای صبر بپردازد. بررسی معنای صبر در منظومه آیات قرآنی، موضوع محوری این پژوهش است. واژه «صبر» در آیات قرآنی با تعدادی از مفاهیم و واژگان، همچون «تقوا»، «نماز»، «زکات»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «ایمان»، «اسلام»، «یقین» و «نیکی» هم‌نشین شده است. واژگان «حلم» و «أناه» نیز با واژه «صبر» رابطه جانشینی دارند. همچنین، واژه «صبر» با واژگانی مانند «عجله» و «جزع» رابطه تقابلی دارد و از این دو واژه متقابل نمونه‌هایی در قرآن دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، صبر، معناشناسی، حوزه‌های معنایی، روابط هم‌نشینی،

روابط جانشینی.

*E-mail: r_amani2007@yahoo.com (نویسنده مسئول)

**E-mail: zahraebadi1363@yahoo.com

***E-mail: sedigherezaei699@gmail.com

مقدمه

سخن بر سرِ واژه‌ای است که ادای لفظی آن، به مراتب آسانتر و در دسترس‌تر از فعلیت بخشیدن بدان است. با این تفاوت که ثمره فعلیت آن، قابل قیاس با ثمره صرفاً ادای لفظی آن نیست. در قرآن کریم این واژه از نظر کمی، در بیش از هفتاد آیه مطرح شده است (ر.ک؛ عبدالباقی، ۱۳۹۱: ۵۵۵-۵۵۷) و از نظر معیار کیفی نیز صبر به عنوان یک فضیلت اصیل و مهم اخلاقی به انسان‌ها، به‌ویژه مؤمنان توصیه شده است و همپایه عبادتی چون نماز معرفی شده است: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾: از صبر و نماز یاری جوید و این کار، جز برای خاشعان گران است ﴿البقره/ ۴۵﴾.

موضوع حایز اهمیت در نوشتار حاضر این است که آیا دامنه معنایی این واژه یعنی «صبر»، محدود به یک معنا و تصوّر عرفی آن است و یا مثلاً «صبر»، مشترک لفظی است که به فراخور زمینه استعمال آن، معنایی متفاوت از آن برداشت می‌شود که در این حالت باید به معنایی توجه کرد که در آن حیطه و موضوع، متناسب و مستعمل است. لذا پرسش اصلی این مقاله که نگارندگان در پی یافتن پاسخ آن هستند، این است که در حوزه معنایی صبر، چه رابطه‌ای میان مفهوم صبر با واژگان همنشین و جانشین آن وجود دارد؟

با توجه به اهمیت مسئله صبر در زندگی بشر و تأثیر فوق‌العاده آن در تعالی و رشد او، ضرورت شناسایی حیطه کارکرد و محدوده معنایی آن، خصوصاً در حوزه دینی، بیش از پیش، مشخص می‌شود. در حدیث ارزشمندی از امام رضا^(ع) چنین می‌خوانیم: «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا إِيْمَانُ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ: صبر برای ایمان به منزله سر است برای بدن، و کسی که صبر ندارد، ایمان ندارد» (قمی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۴۴) و در جای دیگر می‌فرمایند: «إِنَّ الْيَقِينَ فَوْقَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ وَاحِدَةٍ وَالصَّبْرُ فَوْقَ الْيَقِينِ: یقین یک درجه برتر از ایمان است و صبر برتر از یقین است» (همان: ۱۰۱، ۱۴۶ و ۳۶۸).

از سوی دیگر، با تلقی ناقصی که در برخی از حوزه‌ها از صبر شده، تا حدّ زیادی مفاد و مفهوم آن به طور دقیق بیان و مستفاد نشده است. چنان‌که در فرهنگ عامّه، گاهی با

عملکردهایی مواجه می‌شویم که به اشتباه صبر نامیده می‌شود؛ از جمله جایی که سکوت کردن در برابر ظلم و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت که از خواری و ذلت نفس ناشی شده است و دارنده این حالت به جای مبارزه با موانع راه کمال، پیمودن راه فطرت و وصول به قرب الهی، نشستن را بر رفتن، آسانی را بر سختی و در یک کلام، تسلیم را بر مبارزه برمی‌گزیند، قبول این واقعیت هر چند غیرفراگیر، و توجه به آن، بازخوانی واژه صبر و معناشناسی آن را ضروری می‌کند.

گرچه تا به حال نویسندگان متعددی به قلم‌زنی درباره خصیصه صبر مبادرت داشته‌اند، با این حال نسبت به مفهوم‌شناسی واژه صبر در نظام معنایی قرآن کریم، بررسی دقیقی صورت نگرفته است. لذا جهت‌گیری علمی این نوشتار، بر اساس روش توصیفی - تحلیلی دستیابی به معنای دقیق صبر در قرآن است که بر پایه روش معناشناسی و با تکیه بر نظریه حوزه‌های معنایی انجام می‌گیرد.

دانش معناشناسی با مطالعه علمی معنا سعی دارد تا به روابطی که میان واحدهای معنایی یعنی زوج‌های لفظ - معنا و یا روابط معنا - معنا وجود دارد، دست یافته و توصیفی دقیق از این روابط ارائه کند. در این مجال، صبر را به عنوان یک حوزه معنایی در نظر گرفته‌ایم و با معرفی مفاهیم «همنشین» و «جانشین» آن، ضمن تبیین معنای صبر از یک سو، روابط میان مفاهیم پیوسته با یکدیگر و رابطه آنها را با معنای صبر، از سوی دیگر، در این حوزه معنایی مشخص خواهیم کرد.

۱- معنی‌شناسی و نظریه حوزه‌های معنایی

معنی و مفهوم کلمات را باید با توجه به شرایطی که آن کلمات ادا می‌شوند، مشخص نمود. در نتیجه، معنی هر سخنی با توجه به موضوع گوینده و شنونده تغییر می‌کند (ر.ک؛ فضیلت، ۱۳۸۵: ۶۲-۶۳):

«معناشناسی را می‌توان عبارت از مطالعه علمی معنای مراد و لوازم آن در گذر تاریخ یا متن و دوره خاص دانست. منظور از علمی بودن مطالعه، صریح و

بدون پیش‌داوری و تعصب بودن است، به گونه‌ای که هر کس صرف نظر از باورهای مذهبی و دینی به روشنی به معنا دست یابد و صحت و سقم آن نیز قابل ارزیابی و محک زدن باشد. مراد از معنا نیز دو چیز است: یکی مصداقی است که لفظ برای اشاره به آن به کار رفته است و دیگری تصویری است که از آن مصداق به ذهن اهل زبان متبادر می‌شود. در معناشناسی گاه با روشن شدن مفردات، معنای مراد مشخص می‌شود؛ نظیر معنای «نجم» در آیه ﴿وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ﴾ (النجم / ۱) که درباره آن بحث می‌شود که آیا مراد ستاره خاصی است یا مقصود شهاب است، یا چیزی دیگر، اما گاهی با روشن شدن یکایک مفردات، معنای مراد مشخص نمی‌شود که باید معنای ترکیبی آنها را بررسی کرد» (نکونام، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۶).

همچنین، روابط جانشینی و هم‌نشینی، اصول ساخت درونی زبان را مشخص می‌کنند. رابطه هم‌نشینی، رابطه‌ای از نوع ترکیب است میان الفاظی که در یک زنجیره کلامی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند (ر.ک؛ بی‌پروش، ۱۳۶۳: ۵۷). رابطه جانشینی نیز رابطه‌ای از نوع انتخاب و جایگزینی، میان هر یک از الفاظ یک زنجیره کلامی با الفاظی است که می‌توانند جایگزین آنها شوند.

طبق نظریه حوزه معنایی، واژگان یک زبان در حوزه‌های لغوی یا مفهومی سازمان می‌یابند و اقلام داخل هر حوزه نسبت به هم از ساختار لغوی منسجمی برخوردارند. این روش در بررسی پاره‌ای از حوزه‌های معنایی با موقعیت به کار رفته است و این نظریه در مطالعه ساختار معنایی واژگان یک زبان و تعیین حدود معنایی عناصر لغوی آن بسیار مفید است؛ زیرا هر واژه بخشی از معنای خود را از وجود دیگر واژه‌های هم‌حوزه خود اخذ می‌کند (ر.ک؛ صفوی، ۱۳۷۹: ۱۹۰). در نتیجه، اگر رابطه لفظ - معنا (دال - مدلول) را یک واحد معنایی بدانیم، حوزه معنایی را می‌توانیم مجموعه‌ای از واحدهای معنایی به شمار آوریم که در یک وجه مشترک گرد آمده‌اند. به بیان فنی‌تر، اشتراک در یک شرط، سبب طبقه‌بندی واحدهای معنایی در یک حوزه معنایی می‌شود (ر.ک؛ رهنما، ۱۳۹۰: ۲۳). برای مثال، واژه‌های معرف گناه در قرآن از واحدهای «ذنب، اثم، سیئه،

خطیئه، جناح، فحشاء، منکر، سوء و فسق» تشکیل شده است، چنان که نام حکمت در قرآن کریم نیز نمونه روشنی از یک حوزه معنایی است. وجه مشترک میان واحدهای این حوزه معنایی در این است که همگی اعضای یک حوزه معنایی، واحدهایی یک نظام معنایی را تشکیل می‌دهند که در رابطه متقابل با یکدیگر، چنین واحدهایی به دلیل ویژگی مشترک خود هم‌حوزه به حساب می‌آیند و هم در حوزه معنایی خود در تباین معنایی با یکدیگر (ر.ک؛ همان: ۴۵).

۲- معنای لغوی و اصطلاحی صبر

در زبان فارسی، برابر واژه صبر، «شکیبایی، بردباری» و خود کلمه صبر آمده است (ر.ک؛ دهخدا، ۱۳۷۷: مدخل صبر). صبر از واژگان اصیل عربی است و واژه‌شناسان آن را این گونه معنا کرده‌اند: «الصَّبْرُ نقيض الجزع: صبر ضد جزع است» (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ۱۱۵ و جوهری، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۴۳۹). ابن منظور نیز می‌گوید: «الصَّبْرُ: الحِمْس» (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۴: ۴۲۰). لذا صبر در لغت، به معنی نگهداری نفس از بی‌تابی، زبان نگشودن به شکایت و نگهبانی اعضا و جوارح از اضطراب و نگرانی است (ر.ک؛ زبیدی، ۱۳۸۶ق، ج ۲: ۴۴۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۳۷۱ و دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۳۸). راغب می‌نویسد: «الصَّبْرُ الإِمْسَاكُ فِي ضَيْقٍ. يُقَالُ: صَبِرْتُ الدَّابَّةَ: حَبَسْتُهَا بِلا عَلفٍ: صَبْرًا، خَوِشْتَنَدَارِي فِي سَخْتِي أَسْت. مَعْنَى صَبِرْتُ الدَّابَّةَ أَيْنَ أَسْتُ كَمَا مِنْ فِلاَنٍ حَيوانٍ رَأَى فِي جَايٍ بَدونِ عَلفٍ حَبَسَ كَرْدَمًا» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۳۷۲). طریحی نیز در مجمع‌البحرین می‌گوید: «الصَّبْرُ، حَبَسَ النَّفْسَ عَلى المَكْرُوهِ: صَبْرًا، خَوِشْتَنَدَارِي أَسْتُ بِرِ أُنْجَحَ خَوِشَانِدَ نِيسَت» (طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۳۵۷).

البته سیر معنایی این واژه نیز قابل تأمل است. صبر در دوران پیش از اسلام به معنای بردباری و استقامت در برابر ناملايمات بود، اما در دین مقدس اسلام، حوزه معنایی این واژه بر پایه اعتقاد به خداوند وسیع گردید و محدوده آن گسترده‌تر گردید.

علمای علم اخلاق نیز در نوشته‌های فراوانی به بررسی معنای این واژه پرداخته‌اند؛ به عنوان مثال، شیخ طوسی آن - صبر - را حبس نفس از جزع و فزع در زمان وقوع مکروه دانسته، معتقد است که صبر باعث جلوگیری از شکایت در هنگام سختی‌ها می‌گردد (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۱: ۵۰). همچنین، به بیان جایگاه این فضیلت در بُعد فردی و اجتماعی زندگی بشر پرداخته‌اند و صبر را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

- ۱- صبر بر اطاعت؛ یعنی شکیبایی در برابر مشکلاتی که در راه اطاعت وجود دارد.
 - ۲- صبر بر معصیت؛ یعنی ایستادگی در برابر انگیزه‌های نیرومند و محرک گناه. این نوع صبر را صبر نفسی نیز می‌گویند. انسان در مسیر زندگی همواره در نبرد با نفس اماره است و هوس‌ها و خواسته‌نفسانی از هر سو بر او هجوم آورده است و صبر در برابر این تمایلات در این مرحله عفت نامیده می‌شود.
 - ۳- صبر بر مصیبت؛ یعنی پایداری در برابر حوادث تلخ و ناگوار و برخورد انفعالی نداشتن و ترک جزع و فزع.
- یکی از انگیزه‌هایی که مقاومت در برابر آنها ستوده شده است و پاسخ مثبت به آنها موجب تباهی انسان است، امیال و هواهای نفسانی است که انسان را به درک لذات ممنوع وادار می‌سازد. انسان برای درک برخی لذت‌ها، خارج از قلمرو مجاز دین، کارهایی انجام می‌دهد. گاه انگیزه انجام چنین کارهایی، بسیار قوی نیز می‌شود. کسی که در برابر این انگیزه مقاومت می‌کند و خود را از ارتکاب معاصی بازمی‌دارد، صبر پیشه ساخته است. به این نوع از صبر، صبر در برابر معصیت گفته می‌شود (ر.ک؛ فتحعلی خانی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۲۳).

در قرآن، آیات فراوانی وجود دارد که این نوع صبر را همراه با پاداشی بیان می‌نماید که در پایان کار برای آن در نظر گرفته شده است. در ادامه، تعدادی از این آیات را بیان می‌کنیم.

* ﴿قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾: گفتند آیا تو همان یوسفی؟! گفت: (آری)، من یوسفم و این برادر من است! خداوند بر ما منت گذارد. هر کس تقوا پیشه کند و شکیبایی و استقامت نماید، خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند! ﴿(یوسف/۹۰).

* ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾: سلام بر شما به سبب صبر و استقامت شما! چه نیکوست سرانجام آن سرا(ی جاویدان)! ﴿(الرعد/۲۴).

* ﴿وَجَزَاءُ هُم بِمَا صَبَرُوا جَنَّةٌ وَحَرِيرٌ﴾: و در برابر صبر ایشان، بهشت و لباس های حریر بهشتی را به آنها پاداش می دهد! ﴿(الإنسان/۱۲).

بنابراین، صبر بر معصیت یعنی ایستادگی در برابر انگیزه های نیرومند و محرک گناه، و منظور از صبر بر مصیبت، آن است که انسان در طول زندگی، در برابر حوادث دردناکی مانند از دست دادن عزیزان، خسارت های عظیم مالی، به خطر افتادن آبرو و حیثیت اجتماعی، گرفتاری در چنگال بیماری های صعب العلاج، افتادن در دام دوستان ناباب و شرکای خائن، حکومت ظالم و گاه همسران فاسد و... صبر و شکیبایی را از دست ندهد (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۶۸). در قرآن، مواردی از این قبیل بیان گردیده است؛ از جمله: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾: قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال ها، جان ها و میوه ها آزمایش می کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان! ﴿(البقره/۱۵۵)﴾؛ ﴿لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِّنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾: قطعاً در مال ها و جان های شما آزموده خواهید شد و از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده است و [نیز] از کسانی که به شرک گراییده اند، [سخنان دل آزار بسیاری خواهید شنید و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، این حاکی از عزم استوار [شما] در کارهاست ﴿(آل عمران/۱۸۶)﴾؛ ﴿وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ﴾: و پیراهن او را با خونی

دروغین آوردند. گفت: هوس های نفسانی شما این کار را برایتان آراسته است! من صبر جمیل خواهم داشت و در برابر آنچه می گوئید، از خداوند یاری می طلبم! ﴿(یوسف / ۱۸) و ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ﴾: ما همه شما را قطعاً می آزماییم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما کیانند، و اخبار شما را بیازماییم! ﴿(محمد / ۳۱).

پس صبر بر مصیبت یعنی پایداری در برابر حوادث تلخ و ناگوار و برخورد انفعالی نداشتن و ترک جزع و فزع.

صبر بر اطاعت نیز یعنی شکیبایی در برابر مشکلاتی که در راه اطاعت وجود دارد.

از نمونه آیاتی که به این نوع صبر اشاره دارد، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- ﴿وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾: و این [خصلت] را جز کسانی که شکیبا بوده اند، نمی یابند و آن را جز صاحب بهره ای بزرگ نخواهد یافت ﴿(فصلت / ۳۵).

۲- ﴿قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾: بگو ای بندگان من که ایمان آورده اید! از پروردگارتان پروا بدارید. برای کسانی که در این دنیا خوبی کرده اند، نیکی خواهد بود و زمین خدا فراخ است. بی تردید شکیبایان پاداش خود را بی حساب [و] به تمام خواهند یافت ﴿(الزمر / ۱۰).

۳- ﴿وَخَذُ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾: بسته ای از ساقه های گندم را برگیر و با آن بزن و سوگند خود را مشکن. ما او را شکیبا یافتیم؛ چه بنده خوبی که بسیار بازگشت کننده (به سوی خدا) بود! ﴿(ص / ۴۴).

۴- ﴿فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾: پس صبر کن؛ صبری نیکو ﴿(المعارج / ۵).

بزرگان اخلاق این تقسیم سه گانه را از روایات اسلامی گرفته اند. همانند روایتی که از پیامبر اسلام^(ص) نقل شده است که فرموده اند:

«الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ، صَبْرٌ عَلَى الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الْمَعْصِيَةِ، فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمُصِيبَةِ حَتَّى يَرُدَّهَا بِحَسَنِ عَزَائِهَا، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَلَاثَ مِائَةِ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى الطَّاعَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتِّ مِائَةِ دَرَجَةٍ، مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَحْوَمِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَعْصِيَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ تِسْعَ مِائَةِ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَحْوَمِ الْأَرْضِ إِلَى مُنْتَهَى الْعَرْشِ: صَبْرٌ بِرِ سَهٍ كَوْنَهُ اسْتِ: صَبْرٌ بِرِ مَعْصِيَةٍ، صَبْرٌ بِرِ طَاعَتٍ وَ صَبْرٌ بِرِ مَعْصِيَةٍ كَسَى كَهْ صَبْرٌ بِرِ مَعْصِيَةٍ كُنْدَ وَ أَنْ رَا بِا شَكِيَايِي وَ صَبْرٌ جَمِيلٌ تَحْمَلُ نَمَائِدُ، خَدَاوَنْدُ سِيصِدُ دَرَجَهْ بِرَايِشْ مِي نُويسِدُ كَهْ فَاصِلَهْ مِيَاَنْ هَرِ دَرَجَهْ هَمَانَنْدُ فَاصِلَهْ آسْمَانِ وَ زَمِيْنِ اسْتِ وَ هَرِ كَسْ صَبْرٌ بِرِ اطَاعَتِ كُنْدُ، خَدَاوَنْدُ شَشِصِدُ دَرَجَهْ بِرَايِشْ مِي نُويسِدُ كَهْ فَاصِلَهْ هَرِ يَكْ بِا دِيْغَرِي هَمَانَنْدُ فَاصِلَهْ اَنْتِهَائِي زَمِيْنِ تَا عَرْشِ خَدَااسْتِ وَ هَرِ كَسْ صَبْرٌ بِرِ مَعْصِيَةٍ كُنْدُ، خَدَاوَنْدُ نَهْصِدُ دَرَجَهْ بِرَايِشْ مِي نُويسِدُ كَهْ فَاصِلَهْ هَرِ يَكْ بِا دِيْغَرِي، هَمَانَنْدُ فَاصِلَهْ مَنْتِهَائِي زَمِيْنِ تَا مَنْتِهَائِي عَرْشِ خَدَااسْتِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۷۷ و کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۹۱).

از تعبیرهای این حدیث استفاده می‌شود که صبر بر معصیت، بالاترین درجه صبر، صبر بر اطاعت در مرتبه دوم، و صبر بر مصیبت در مرحله سوم قرار دارد.

امیرمؤمنان علی^(ع) نیز در حدیثی دیگر بعد از آنکه ایمان را بر چهار ستون قرار داده که رکن اول آن، صبر، رکن دوم آن، یقین و رکن سوم آن، عقل و رکن چهارم آن، جهاد است، می‌فرماید: «وَالصَّبْرُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ، عَلَى الشُّوقِ وَالشَّفَقِ وَالزُّهْدِ وَ التَّرَقُّبِ: صَبْرٌ چَهَارِ شَعْبَهْ دَارِدُ: اسْتِيَاقِ، تَرْسِ، زَهْدِ وَ اَنْتِظَارِ» (نهج ابلاغه/ح ۳۱). سپس در شرح آن می‌فرماید: «کسی که اشتیاق بهشت داشته باشد، از شهوات و هوس‌های سرکش به کنار می‌رود و آن کسی که از آتش دوزخ بترسد، از محرمات دوری می‌گزیند و کسی که زهد بر دنیا داشته باشد، مصیبت‌ها را ناچیز می‌شمرد و کسی که در انتظار سرانجام نیک باشد، برای انجام نیک سرعت می‌گیرد» (همان).

۳- معناشناسی صبر بر اساس رابطه جانشینی

رابطه جانشینی میان دو واژه، به معنای انطباق معنایی کامل آن دو واژه نمی‌باشد، بلکه می‌توان بیان نمود که این دو واژه توانایی همپوشانی معنایی را در بخش‌هایی از دامنه‌های معنایی یکدیگر دارا می‌باشند. این اشتراک معنایی، زمینه بهره‌مندی این واژگان را از مؤلفه‌های معنایی اختصاص یافته به آنها در قرآن ایجاد می‌کند.

۱-۳) روابط جانشینی صبر در قرآن

در ادامه به بررسی مفاهیم جانشین واژه «صبر» در قرآن می‌پردازیم. ما این مفاهیم را در دو دسته کاربرد اسمی و فعلی از یکدیگر متمایز می‌نماییم.

اگر واژه صبر را در معنای تأمل و درنگ کردن در نظر بگیریم، می‌توانیم فعل «إِنَاه» به معنای درنگ کردن و آرام بودن (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۱۴ق.، ج ۳: ۲۴۶ و ابن‌درید، بی‌تا، ج ۱: ۵۶۵) را مترادف با آن و در دسته جانشینان آن قرار دهیم.

۱-۱-۳) «إِنَاه»

«إِنَاه» به معنی «ضَبَطُ النَّفْسِ عَنِ هَيْجَانِ الْعُضْبِ» یعنی کنترل نفس در عقوبت کردن. این واژه یک بار در قرآن و در سوره احزاب وارد شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرِ نَظِيرِ بْنِ إِنَاهٍ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! داخل اتاق‌های پیامبر مشوید، مگر آنکه برای [خوردن] طعامی به شما اجازه داده شود، [آن هم] بی آنکه در انتظار پخته شدن آن باشید، ولی هنگامی که دعوت شدید، داخل گردید...﴾ (الأحزاب/۵۳).

۲-۱-۳) «حَلِمٌ»

از جمله مفاهیمی که با کاربرد اسمی، جانشین واژه «صبر» شده، واژه «حَلِمٌ» از ماده (حَلَمٌ، يَحْلُمُ، حِلْمًا) به معنای همان «إِنَاه» است و «حَلِيمٌ» کسی است که در عقوبت کردن عجله نمی‌کند و صبور است (ر.ک؛ همان).

به نظر می‌رسد که معنای «حلم» همان «صبر و کنترل هیجان و غضب» است. این معنای اصلی در همه واژگانی که از این ریشه مشتق می‌شوند، وجود دارد.

این ماده در قرآن کریم، ۱۵ بار به کار رفته است. همچنین، در قرآن، کلمه «حلیم» بیشتر به عنوان صفت الهی به کار رفته است؛ به عنوان نمونه:

۱- ﴿إِنْ تَقْرُؤُوا اللَّهَ فَرَضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾ اگر به خدا قرض الحسنه دهید، برایتان دو برابرش خواهد کرد و شما را می‌آمرزد که او شکرپذیرنده و بردبار است ﴿التغابن/۱۷﴾.

۲- ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ خدا شما را به سبب سوگندهای لغو بازخواست نمی‌کند، بلکه به سبب نیتی که در دل نهان می‌دارید، بازخواست می‌کند. خدا آمرزنده و بردبار است ﴿البقره/۲۲۵﴾.

۳- ﴿قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعَهَا أَدْوَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ﴾ گفتار نیکو و بخشایش، بهتر از صدقه‌ای است که آزاری به دنبال داشته باشد. خدا بی‌نیاز و بردبار است ﴿البقره/۲۶۳﴾.

۴- ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ از میان شما، آنان که در روز مقابله آن دو گروه بگریختند، به سبب پاره‌ای از اعمال خود، شیطان آنها را به خطا افکنده بود. اینک خداوند ایشان را عفو کرد که او آمرزنده و بردبار است ﴿آل عمران/۱۵۵﴾.

۵- ﴿إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أُمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾ همانا خدا آسمان‌ها و زمین را نگاه می‌دارد تا نیفتند و اگر بیفتند، بعد از او هیچ کس آنها را نگاه نمی‌دارد. او بردبار آمرزنده است ﴿فاطر/۴۱﴾.

این مفهوم به عنوان صفت بر انبیاء در قرآن کریم به کار رفته است:

الف) حضرت ابراهیم (ع):

﴿وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِتَاءَهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ﴾: آمرزش خواستن ابراهیم برای پدرش، نبود مگر به سبب وعده ای که به او داده بود، و چون برای او آشکار شد که پدرش دشمن خداست، از او بیزاری جست؛ زیرا ابراهیم بسیار خدای ترس و بردبار بود ﴿(التوبة/۱۱۴)﴾.

ب) حضرت شعیب (ع):

﴿قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ﴾: گفتند: ای شعیب! آیا نماز تو به تو دستور می دهد که آنچه را پدران ما می پرستیدند، رها کنیم، یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم؟ راستی که تو بردبار فرزانه ای ﴿(هود/۸۷)﴾.

ج) حضرت اسماعیل (ع):

﴿فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ﴾: پس او را به پسری بردبار مژده دادیم ﴿(الصافات/۱۰۱)﴾.

۳-۱-۳) «تفرس»

در لغت نامه ها، واژه «تفرس» هم به معنای نظر کردن، تأمل کردن و درنگ کردن در شیء آمده است (ر.ک؛ جوهری، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۲۰۴ و ابن درید، بی تا، ج ۱: ۵۶۵).

در ادامه، لازم می دانیم که تفاوت های موجود در میان واژه «صبر» را با این کلمات بیان نماییم.

الف) تفاوت میان واژه «صبر» و «حلم»

حلم به معنای چشم پوشی از عقاب کسی است که مستحق عذاب است. حلم پروردگار درباره معصیت کاران در دنیا به این شیوه نیست که نعمت های دنیوی او را از

بین برده، در عقاب او تعجیل نماید، هر چند برای بندگان جایز نیست که در برابر گناه آشکار معصیت کار حلیم باشد و این فعل خداوند به منزله ترک عذاب نیست؛ زیرا ترک عقاب از جانب خداوند جایز نیست، چون فعلی که در مقام قدرت، قابل انجام است، با انجام ندادن آن منافات دارد. صفت حلیم جز برای کسی که قدرت عقوبت دارد، صحیح نیست. به ظالم، حلیم گفته نمی‌شود؛ زیرا حلیم کسی است که در عقاب کردن تأخیر می‌کند یا عفو می‌نماید که اگر عقوبت کند، عادل است. برخی نیز حلم را متضاد سفاقت می‌دانند و این تعریف نیکوست؛ زیرا سفیه، عجول است و در حلم، صبر و چشم‌پوشی وجود دارد، اما صبر به معنای دور کردن نفس است از آنچه مکروه است. صبر فرد یعنی خویشنداری از اظهار عجز و ناتوانی (ر.ک؛ عسکری، ۱۴۱۲ق: ۲۰۰-۲۰۴).

(ب) فرق «صبر» و «احتمال»:

احتمال درباره چیزی است که نیازمند فروبردن خشم است و صبر در برابر سختی‌ها نیازمند ترک هر گونه عملی است.

(ج) فرق «حلم» و «إناه»:

إناه به معنی درنگ کردن در حرکت و نزدیک شدن گام‌ها در راه رفتن است. حلم در اموری به کار می‌رود که در برابر آنها نیاز به فرو بردن خشم داریم (ر.ک؛ همان).

اما واژه‌هایی را که با کلمه صبر مترادف دانسته‌اند، به شرح ذیل است:

- ۱- «الصَّيَّامُ: روزه» و آیه شاهد این مطلب، ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (البقره/۴۵) می‌باشد.
- ۲- «الجرأ و الإصرار: جرأت داشتن و اصرار ورزیدن» و آیه شاهد آن، ﴿وَإِن تَلَقَّ أُمَّةً فِرًا فَمِنْهُمْ أَنْ أَمْشُوا وَأَصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ﴾ (ص/۶) می‌باشد.
- ۳- «الرِّضَا: راضی بودن و رضایت داشتن» که آیه ﴿وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ﴾ (الطور/۴۸) را شاهد مثال آن می‌دانند.

۲-۳) روابط همنشینی صبر در قرآن

چنانچه پیش از این بیان شد، رابطه همنشینی، رابطه‌ای از نوع ترکیب است میان الفاظی که در یک زنجیره کلامی، کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

در آیات قرآن، شاهد آنیم که برخی واژه‌ها، همچون تقوا، تسیح، توکل، نماز، روزه، ایمان، عمل صالح و... با واژه صبر به کار رفته‌اند. در ادامه به رابطه منطقی میان این واژه‌ها می‌پردازیم.

۱-۲-۳) رابطه صبر و ایمان و حق‌شناسی و عمل صالح

﴿إِنَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾ مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده‌اند و نیز یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند! ﴿(العصر / ۳).

در باب رابطه این چهار اصل باید گفت که در ابتدای آیه، از ایمان نام برده شده است، چون ایمان، نخستین اصل و زیربنای فعالیت‌های انسان را تشکیل می‌دهد؛ به عبارتی دیگر، تلاش‌های علمی انسان از مبانی فکری و اعتقادی او سرچشمه می‌گیرد. اصل دوم، یعنی عمل صالح و میوه و ثمر درخت پر بار ایمان است. ایمان و عمل صالح هرگز تداوم نمی‌یابد، مگر اینکه حرکتی به سوی حقیقت‌یابی و حقیقت‌گرایی صورت گیرد. اصل سوم، توصیه به حقیقت‌جویی و حقیقت‌گرایی است که قطعاً فرایند حقیقت‌جویی و پایدار ماندن در راه آن، مسیری بس دشوار، طولانی و پرپیچ‌وخم است. از این رو، اصل چهارم، صبر و شکیبایی و استقامت معرفی شده است (ر.ک؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۵۸۵).

چنان‌که برخی از مفسران گفته‌اند، صبر در سوره عصر، معنی وسیع و گسترده‌ای دارد که هم صبر بر اطاعت را شامل می‌شود، هم صبر در برابر انگیزه‌های معصیت و هم صبر در برابر مصائب و حوادث ناگوار (ر.ک؛ همان).

اما درباره رابطه صبر و حقیقت، امری که کمتر مورد توجه قرار گرفته، این پرسش مطرح است: آیا میان حق شناسی و یافتن حقیقت، با صبر رابطه‌ای وجود دارد؟ پاسخ این پرسش، روشن است. درک عمیق بسیاری از امور و معارف به نوبه خود مستلزم گذشت زمان است و با گذشت زمان، قوه ادراک بشری تکامل یافته، جنبه عملی معرفت او رشد خواهد کرد و همه این امور، نیازمند صبر است.

۲-۲-۳) رابطه صبر و تقوی

کلمه تقوا که خویشنداری و ممانعت از خواهش‌ها و هوس‌های نفسانی است، در آیات بسیاری با صبر با هم ذکر شده که حاکی از نزدیکی و ارتباط دقیق و تنگاتنگ این دو صفت با هم است؛ از جمله قرآن می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ بگو ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از پروردگارتان پروا دارید! برای کسانی که در این دنیا خوبی کرده‌اند، نیکی خواهد بود و زمین خدا فراخ است. بی‌گمان شکیبایان پاداش خود را بی‌حساب و به‌تمام خواهند یافت ﴿(الزمر/۱۰)

در این آیه، تقوا بیشترین ترکیب را با صبر دارد که عامل ترمز و خویشنداری است. در سوره یوسف خدا می‌فرماید: ﴿...إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ بی‌گمان هر که تقوا و صبر پیشه کند، خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند ﴿(یوسف/۹۰)

صبر، شکیبایی و استقامت، از شیوه مردان بزرگ و کامیاب جهان است و شکیبایی و بردباری، ضامن سعادت و کامیابی است. چه بسیارند کسانی که از هوش و استعداد متوسط برخوردارند و یا ابتکار عمل آنها کاملاً متوسط است، ولی در زندگی به پیروزی‌هایی بزرگ نائل شده‌اند و پس از تحقیق و بررسی می‌بینیم که دلیلی جز ثبات و استقامت ندارند. از دیدگاه قرآن، واژه صبر، حاکی از والاترین درجه دینداری است و بزرگترین امتیاز اهل ایمان به حساب می‌آید و بندگان شایسته خدا، بخش مهمی از مقامی که کسب

کرده‌اند، در پرتو صبر آنان بوده است. در این معنا، صبر خودبه‌خود فضیلتی اخلاقی نیست، بلکه مقاومتی است که ناشی از تسلط فرد بر خویشتن است. این مقاومت در صورتی از لحاظ اخلاقی فضیلت خواهد بود که هدف شخص صابر، کمال اخلاقی و تقرّب به خداوند باشد و صبر در برابر چیزی صورت گیرد که با کمال اخلاقی و تقرّب خداوند در تعارض و تقابل باشد. ارزش اخلاقی صبر بسته به هدفی است که صبر به منظور آن صورت می‌گیرد. در مبحث «روابط انسان با خداوند، مقصود از صبر، نوعی مقاومت در برابر عواملی است که رابطه انسان با خدا را سست می‌کنند و او را از دایره ایمان به لحاظ نظری یا عملی خارج می‌سازند (ر.ک؛ فتحعلی‌خانی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۲۰).

۳-۲-۳) رابطه صبر و رسیدن به شناخت و آگاهی

در برخی آیات، نقش صبر و حوصله برای رسیدن به شناخت و آگاهی نیز غیرمستقیم مورد توجه قرار گرفته است؛ به عنوان نمونه، ﴿قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا * وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا * قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا: گفت: تو هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی و چگونه می‌توانی بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری، صبر کنی؟ گفت ان شاء الله مرا شکیبیا خواهی یافت و در هیچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد﴾ (الکهف/۶۷-۶۹). این آیات ناشکیبایی حضرت موسی (ع) را در برابر کارهای خضر نشان می‌دهد. در این آیه، به صورت غیرمستقیم به یک حقیقت از ماهیت وجودی انسان توجه می‌نماید و آن، عجز بودن انسان است. عدم صبر موسی در برابر کارهای خضر، به دلیل آگاهی نداشتن از بطن امور بود. بدین ترتیب، صبر در مقابل علم معنا می‌گیرد.

۳-۲-۴) رابطه صبر و بخشش

در آیه ۴۳ سوره شوری، به بیان رابطه تنگاتنگ این دو صفت می‌پردازد و می‌فرماید: ﴿وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنَ عَزْمِ الْأُمُورِ: اما کسانی که شکیبایی و عفو کنند، این از کارهای پرارزش است!﴾ (الشوری/۴۳).

از ظاهر آیه چنین برداشت می‌شود که بخشش و عفو از فضائل اخلاقی وابسته به صبر است؛ زیرا صبر وسیله‌ای برای کنترل خشم - که خود مقدمه‌ای برای جلوگیری از انتقام‌جویی است - بیان گردیده است.

این رابطه در آیه ۴۸ سوره قلم نیز به چشم می‌خورد، آنجا که خداوند می‌فرماید: ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْخُوْتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ﴾؛ اکنون که چنین است، صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش و مانند صاحب ماهی [= یونس] مباش در آن زمان که با نهایت اندوه خدا را خواند! ﴿(القلم / ۴۸).

از آیات فوق می‌توان چنین استنباط کرد که صبر، مدارا و بخشش از جمله مفاهیم مرتبط با یکدیگرند. در حقیقت، صبر و پرهیزگاری از میانی اخلاقی مدارا و بخشش است و خداوند برای تقویت روحی مؤمنان و ارتقای آستانه تحمل ایشان در برابر ناملایمات و فشار مشرکان، آنان را به صبر، مدارا و تقوا دعوت می‌نماید (آل عمران/ ۱۸۶) و در جایی دیگر، آنان را دعوت می‌نماید که در برابر بدی‌هایی که می‌بینند، بردبار باشند و مدارا نمایند و برای توصیف کسانی که به این صفات مزین هستند، با جمله‌ای کوتاه اینچنین می‌فرماید: «به این خصلت، جز کسانی که صاحب صبر و استقامت هستند و بهره‌برگاری (از ایمان، تقوا و کمالات انسانی) دارند، نائل نمی‌گردند» (فضلت / ۳۵).

۳-۲-۵) رابطه صبر و مهربانی

از دیگر فضائل اخلاقی که در برخی آیات همراه با واژه صبر آمده، رحمت و مهربانی است؛ به عنوان مثال، در آیه ۱۷ از سوره بلد، صبر و رحمت به عنوان نشانه‌های ایمان معرفی شده‌اند: ﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ﴾؛ سپس از کسانی باشد که ایمان آورده و یکدیگر را به شکیبایی و رحمت توصیه می‌کنند! ﴿(البلد/ ۱۷).

در حقیقت، رحمت با صبر محقق می‌گردد. چنان‌چه خداوند در آیه ۱۲۶ سوره نحل چنین می‌فرماید: ﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ

لِّصَّابِرِينَ: و هرگاه خواستید مجازات کنید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده، کیفر دهید و اگر شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است ﴿(النحل/۱۲۶)﴾. در این آیه، به مؤمنان توصیه شده است که در برابر حس انتقام، صبر پیشه نمایند و از گناه کافران درگذرند؛ چرا که بخشش برای صابران خیر بیشتری به همراه دارد.

نتیجه اینکه مهربانی و بخشندگی نیازمند حلم، صبر و بردباری است. صبر حتی بر روابط متقابل فرد در اجتماع تأثیر گذار است: ﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا﴾ و در برابر آنچه (دشمنان) می گویند، شکیبیا باش و به طرزی شایسته از آنان دوری گزین ﴿(المزمل/۱۰)﴾ و ﴿وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾ این [خصلت] را جز کسانی که شکیبیا بوده اند، نمی یابند و آن را جز صاحب بهره ای بزرگ نخواهد یافت ﴿(الفصلت/۳۵)﴾. پس صبر می تواند در ایجاد استحکام روابط اجتماعی و رفع کینه و خصومت نقش کلیدی ایفا می کند.

۶-۲-۳) رابطه صبر و یقین

امام علی (ع) می فرماید: «صبر، میوه یقین است» (کریمیان، ۱۳۷۹: ۲۲۵). چیزی که به روشنی دریافت می شود، این است که یقین به نوبه خود نتیجه شناخت و معرفت است: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ و از آنان امامان قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند، چون شکیبایی نمودند و به آیات ما یقین داشتند ﴿(السجده/۲۴)﴾.

۷-۲-۳) رابطه صبر و توکل

صبر می تواند از توکل به خالق بی نیاز نشئت بگیرد. این توکل نشانه اعتماد به مقام خداوند است که از کمال معرفت و یقین حاصل می گردد: ﴿الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ همان ها که صبر کردند و بر پروردگارشان توکل می کنند ﴿(العنکبوت/۵۹)﴾.

۳-۲-۸) رابطه صبر و ایمان

نکته قابل توجه اینکه توکل از تبعات ایمان است. پس می‌توان نتیجه گرفت که ایمان می‌تواند مقدمه صبر باشد؛ چرا که ایمان نتیجه رشد معرفت و یقین به خداست و از سویی، باعث ایجاد توکل می‌گردد.

در قرآن، ایمان مقدمه‌ای برای صبر بیان شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از شکیبایی و نماز یاری جوید؛ زیرا خدا با شکیبایان است ﴿البقره/۱۵۳﴾. پس می‌توان نتیجه گرفت که میان ایمان، توکل، یقین، معرفت، بخشش، صبر و... همواره رابطه‌ای دوسویه برقرار است، چنان که معرفت و آگاهی درجه‌ای از ایمان است و در مرحله بعد، ایمان منجر به توکل، و توکل خود به صبر ختم می‌شود. این رابطه با صبر خاتمه نمی‌یابد، بلکه مانند چرخه‌ای که دور دارد، دچار تسلسل می‌گردد و دوباره صبر به افزایش معرفت نسبت به حق می‌انجامد و این چرخه دائماً در حال حرکت است.



۲-۳) روابط تقابلی صبر در قرآن

یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که تقابل واژه «صبر» با واژه «جزع»، به معنای بازداشتن نفس از اظهار جزع و بی‌تابی نیز در قرآن دیده می‌شود. این واژه در قرآن، دو بار ذکر شده است:

* ﴿...سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ: ... چه بی‌تابی کنیم و چه شکیبایی، تفاوتی برای ما ندارد. راه‌گزینی برای ما نیست﴾ (ابراهیم/۲۱).
 * ﴿إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا: هنگامی که بدی به او رسد، بی‌تابی می‌کند﴾ (المعارج/۲۰).

صبر آنچه را که در باطن انسان از صفات نیکو، نورانیت و صفاست، آشکار می‌کند و جزع آنچه را در قلب آدمی است از ضعف، تاریکی، اضطراب و وحشت بروز می‌دهد. «جزع» نقطه مقابل «صبر» است و در واقع، حالت بی‌قراری و ناشکیبایی انسان در برابر حوادث و مشکلات است، به گونه‌ای که انسان در برابر حادثه زانو زند، مأیوس شود، بی‌تابی کند و یا از تلاش و کوشش برای رسیدن به مقصد چشم‌پوشد.

قرآن مجید در سوره معارج، انسان را موجودی حریص و کم‌طاقت معرفی می‌فرماید که وقتی دچار گرفتاری می‌شود، بی‌تابی می‌کند و هنگامی که خیر و خوبی به او رسد، بخل می‌ورزد و مانع دیگران می‌شود: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِيقٌ هَلُوعًا * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا * وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا: به یقین انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده است. * هنگامی که بدی به او رسد، بی‌تابی می‌کند * و هنگامی که خوبی به او رسد، مانع دیگران می‌شود﴾ (المعارج / ۱۹-۲۱).

اما معانی این واژه در لغت‌نامه‌ها به صورت زیر است:

۱- کتاب العين: «الجزع: نقيض الصبر: جزع، ضد صبر است» (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۲۱۶).

۲- معجم مقاییس اللغة: «الجزع: نقيض الصبر، و هو إنقطاع المنّة عن حمل ما نزل: جزع در مقابل صبر است و آن، قطع امید کردن از آن چیزی است که واقع شده است» (ابن فارس، بی تا، ج ۳: ۳۲۹).

۳- المفردات فی غریب القرآن: «الجزع: أبلغ من الحزن، فإن الحزن عام والجزع هو حزن يُصرف الإنسان عما هو بصدده، و يقطع عنه، و أصل الجزع: قطع الجبل من نصفه، يُقال: جزعته فأنجزع: جزع، بليغ تر از حزن است؛ زیرا حزن، عام است، اما جزع، غمی است که انسان را از آنچه در پی آن است، منصرف می کند و اصل جزع، قطع کردن طناب از وسط است، چنان که گفته می شود: آن را نصف کردم، پس نصف شد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۱۹۶).

۴- مجمع البحرین: «الجزع بالتخريك: نقيض الصبر: جزع همراه بی تابی و ضد صبر است» (طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۳۱۱).

همچنین، در برخی آیات، واژه «عجله» به صورت فعل امر «عجل» بیان شده است. این واژه نیز به معنای شتاب و عجله کردن در کار است. واژه «عجل» با مشتقات خود، پانزده بار در قرآن به کار رفته است؛ مانند:

* ﴿وَأذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ: و خدا را در روزهایی معین یاد کنید. پس هر کس شتاب کند [و اعمال را] در دو روز [انجام دهد]، گناهی بر او نیست و هر که تأخیر کند، گناهی بر او نیست. [این اختیار] برای کسی است که [از محرّمات] پرهیز کرده باشد؛ و از خدا پروا کنید و بدانید که شما را به سوی او گرد خواهند آورد ﴿البقره/ ۲۰۳﴾.

* ﴿فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا: پس ضد آنان شتاب مکن که ما [روزها] را برای آنها شماره می کنیم ﴿مریم/ ۸۴﴾.

* ﴿خَلِقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونَ﴾: انسان از شتاب آفریده شده است. به زودی آیاتم را به شما نشان می‌دهم. پس [عذاب را] به شتاب از من نخواهید ﴿(الأنبياء/۳۷).

* ﴿وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ﴾: و گفتند: پروردگارا! پیش از [رسیدن] روز حساب، بهره ما را [از عذاب] به شتاب به ما بده (ص / ۱۶).

از مجموع آیات فوق روشن می‌شود که عجله و شتابزدگی که در اقوام و ملل گوناگون بوده و هست، تا چه اندازه از نظر اسلام، یک ضد ارزش است و صبر، بردباری و حوصله تا فراهم شدن زمینه‌های هر کار، در ردیف مهم‌ترین فضایل اخلاقی و انسانی است. فضیلتی که تمام انبیای بزرگ الهی و رهبران بشریت به آن آراسته بودند.

نتیجه‌گیری

طبق علم معناشناسی، هر واژه ای متشکل از لفظ و معناست و این معنا با توجه به همنشینی‌ها و جانشینی‌های کلمه بهتر فهمیده می‌شود؛ زیرا لفظ می‌تواند با قرار گرفتن کنار هر همنشین، معنای خاص بگیرد. با توجه به محور همنشینی، به معنای لفظ پی می‌بریم و با توجه به محور جانشینی، به مترادفات و الفاظ هم‌معنای کلمه مورد نظر می‌توان رسید که در واقع، تداعی‌گر معنای خود کلمه یا مفاهیم نزدیک به آن هستند. در قرآن کریم، واژه «صبر» و مشتقات آن، صدوسه بار، در ۴۵ سوره و ۹۳ آیه آمده است. در زبان فارسی، این واژه مترادف با شکیبایی، بردباری، خویشنداری و ضد واژه «جزع» است. اهمیت مسئله صبر در زندگی بشر و تأثیر فوق‌العاده آن در تعالی و رشد بشر از تأکیدهای قرآنی بر این اصل مهم قابل دریافت می‌باشد.

با دقت در تک‌تک آیاتی که این واژه در آنها به کار رفته است و با توجه به واژگان کلیدی همنشین این واژه، با تعدادی از مفاهیم و واژگان مواجه هستیم که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: «تقوا»، «نماز»، «زکات»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «ایمان»، «اسلام»، «یقین» و «نیکی». رابطه جانشینی میان دو واژه، به معنای انطباق معنایی کامل آن دو واژه نمی‌باشد، بلکه می‌توان گفت که این دو واژه توانایی همپوشانی معنایی

را در بخش‌هایی از دامنه‌های معنایی یکدیگر دارا هستند. این اشتراک معنایی زمینه بهره‌مندی این واژگان را از مؤلفه‌های معنایی اختصاص یافته به آنها در قرآن ایجاد می‌کند. واژگان «حلم»، «أناه» و «تفرّس» از جمله واژگان و مفاهیمی هستند که با واژه «صبر» رابطه‌ی جانیشینی دارند و جز واژه «تفرّس» - که موردی از آن در قرآن یافت نشد - دو واژه دیگر، در مواردی به جای صبر آمده‌اند. واژه «صبر»، با واژگانی همچون «عجله» و «جزع» رابطه‌ی تقابلی دارند و از این دو واژه متقابل، نمونه‌هایی در قرآن یافت گردید.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم. (۱۳۸۸). ترجمه محمد مهدی فولادوند. چ ۶. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، ابو جعفر محمد. (۱۳۷۳). *عیون أخبار الرضا (ع)*. ترجمه حمیدرضا مستفید و علی‌اکبر غفاری. تهران: نشر صدوق.
- ابن فارس، احمد. (بی‌تا). *معجم مقاییس اللغة*. تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون. تهران: بی‌نا.
- بی‌پرورش، مانفرد. (۱۳۶۳). *زبان‌شناسی جدید*. ترجمه محمد رضا باطنی. تهران: انتشارات آگاه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۹ق.). *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*. بیروت - تهران: چاپ احمد عبدالغفور عطار - چاپ افست.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۶ق.). *مفردات الفاظ القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داوودی. بیروت: ذوی القربی.
- رهنما، هادی. (۱۳۹۰). *معناشناسی نام‌های معاد در قرآن کریم*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- زبیری، محمد بن مرتضی. (۱۳۸۶ق.). *تاج العروس*. بیروت: دار صادر.

- شریف‌الرضی، محمدبن حسین. (بی تا). **نهج البلاغه**. ترجمهٔ محمد دشتی. اصفهان: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع).
- صفوی، کورش. (۱۳۷۹). **درآمدی بر معنی‌شناسی**. تهران: سوره مهر.
- عبدالباقی، محمدفؤاد. (۱۳۹۱). **المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم**. قم: چاپ و انتشارات نوید اسلام.
- عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۱۲ق.). **معجم الفروق اللغویة**. قم: جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیة قم، مؤسسه انتشارات اسلامی.
- فتحعلی خانی، محمد. (۱۳۷۹). **آموزه‌های بنیادین علم اخلاق**. قم: باشگاه اندیشه.
- فضیلت، محمود. (۱۳۸۵). **معناشناسی و معانی**. کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی.
- الفقه الرضا**. (۱۴۰۶ق.). تحقیق مؤسسه آل‌البتیت للتراث. ج ۱. مشهد: انتشارات المؤتمر العالمي للامام الرضا (ع).
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). **تفسیر نور**. ج ۱۱. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۸). **قاموس القرآن**. ج ۸. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- کریمیان، منصور. (۱۳۷۹). **پرتوی از کلام امام علی (ع)**. برگزیدهٔ موضوعی **عُرر الحکم**. تهران: نشر اشرفی.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۳). **الکافی**. قم: دارالکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). **بحار الأنوار**. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۸). **اخلاق در قرآن**. قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع).
- نراقی، احمدبن محمد. (۱۳۷۸). **معراج السعادة**. ج ۲. اصفهان: انتشارات نقش نگین.
- نکونام، جعفر. (۱۳۹۰). **درآمدی بر معناشناسی قرآن**. قم: دانشکدهٔ اصول دین.